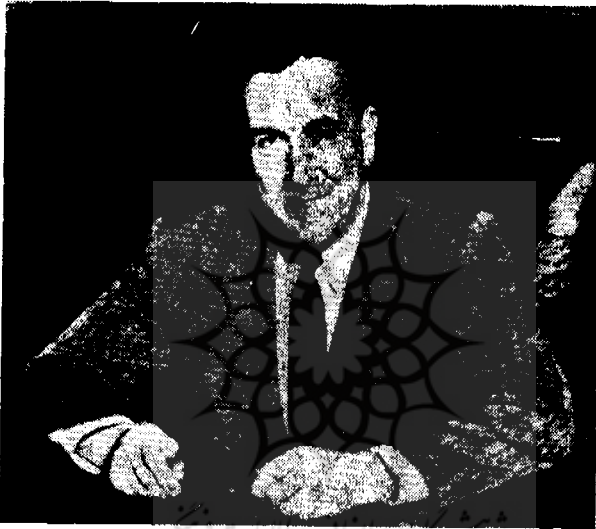


شریکان راه آزادی

پنجم چستر بولز (۱) ، سفیر کبیر امریکا در هندوستان از سنه ۵۳-۱۹۵۱ و فرماندار
کنونی ایالت کانزاس ، نکت امریکای شمالی در مجله اتلنتیک - شماره دسامبر ۱۹۵۴
ترجمه ع . م . عامری



نویسنده مقاله

امروز امریکا ۳۴ بیلیون دلار خرج دفاع میکند . اگر واقعاً با صرف این مبلغ
میتوان از آفات بُمبهای اتمی پیشگیری کرد هیچ عاقلی حتی دو برابر آن را هم
زیاد نمیداند .

اما خطری که متوجه امریکا است از اسلحه جدید اتمی که روسیه بر سپاه جرّار
و تجهیزات هنگفت خویش افزوده بیشتر است . در حالی که شش دانگ حواس خود را
بمسائل نظامی معطوف داشته‌ایم روسیه بلطایف حیل نرم نرم مناسبات ما را با یاران
فعلی و آبی قطع و ما را از آنها جدا میکند و سرانجام وجودمان را بکلی بی اثر میسازد .

۱ - Chester Bowles : اخیراً هم کتابی بسیار ممتع بنام « گزارش سفیر کبیر » در باب
اوضاع آسیا نوشته و در انگلیس چاپ شده است .

از زمان مرگ استالین در ۱۹۵۳ سنی اتحاد شوروی دائم درین راه بوده که به تبلیغ، تکیه گاه های سیاسی را از دست ما بگیرد و دنیای آزاد را از ما دور بدارد. هر روز میکوشد که بمیلیونها مردم اروپا و آسیا و امریکای جنوبی بقبولاند که دولتهای اشتراکی حامی واقعی صلح هستند و امریکا را که مردم بهزار امید بدو چشم دوخته بودند متعددی قدرت جوی قلمداد کند.

این تصویر ناهنجاری را که روس ترسیم کرده و مقبول طبع جمع کثیری از اقوام گوناگون افتاده معلوم میدارد که امریکا با چه مشکل عظیمی روبرو شده است. اگر بخواهیم این صورت ناهموار را، پیش از آنکه کار از کار بگذرد، هموار و صاف بسازیم باید در باب مناسبات خویش با ملل آزاد فکری بکر بکنیم و تشخیص دهیم درین دنیای پر آشوب قدرت واقعی در چیست و با چه بستگی دارد و برای نجات عالم راهی متناسب برگزینیم.

موفقیت و یا شکست ما در اروپا بسیار اهمیت دارد اما آنچه در آسیا و افریقا و امریکای جنوبی میکنیم بهمان درجه از اهمیت است. صرف، توجه به امور نظامی و بی اعتنائی نسبت بعوامل اقتصادی و سیاسی کشورهای پس افتاده سخت زیان آورده است. برای اینکه آزادیخواهی را که هنر خاص پدران ما بوده دنبال کنیم و با بیلیونها مردم آن سرزمینها اشتراک مساعی نمائیم دودل و هراسان مانده ایم و چنین مینماید که به انقلاب ضد استعمار پشت کرده و این مایه درک نکرده ایم که اصل «چهار» و طرح کلمبو و بانگ بین ملل و متخصصان سازمان ملل ممکن است مصدر معجزات و کرامات عظیم بشوند.

غصه در این است که اکنون روسها بعضی از افکار ما را پیشنهاد نظر خود کرده اند و بدین وسیله دوستان را بیشتر از پیشتر از ما دور میسازند.

اگر همین فردا در دکان مذهب اشتراکی تخته شود باز کشورهای پس افتاده، برای هر فرد امریکائی، دارای اهمیت فراوانند. هر چند چهل در صد مصنوعات عالم را ما تهیه میکنیم جمعیت ما فقط شش در صد جمعیت کره است. هر قدر منابع ما در بنقصان گذارد بداد وستد با مردم آسیا و افریقا و امریکای جنوبی بیشتر محتاج

میشویم. فعلاً فقط پنجاه درصد تجارت ما با مردم این اقلیم است.

امروز این کشور های پس افتاده دوره انقلابی را طی میکنند که ، حتی اگر دشمنی وجدالی هم باروسها نداشته باشیم ، باز در زندگی ما سخت مؤثر واقع خواهد شد . در آسیا و افریقا و امریکای جنوبی مردم معتقد شده اند که دوران فقر و فاقه آنان را علم بیابان خواهد رساند و عزم جزم کرده اند که وضع زندگی خویش را بهبود بخشند . این آشوب و بیقراری دستپخت فرقه کمونیست نیست . اگر مارکس ، لنین ، استالین و مائو اصلاً بدینا نیامده بودند باز دچار این اضطرابات میشدیم . آنچه کمونیستها میکنند این است که در کمال حذاقت و مهارت و آتش را دامن بزنند و برای اجرای مرام خویش سقوط نظام قدیم را سریع نمایند و بمحض ایجاد خلأ فضای خالی را پر کنند .

از سال ۱۹۴۵ آمریکا سخت کوشیده است که امور گسیخته اقتصادی اروپا را سامان دهد و در راه آبادی کشورهای تازه بدوران رسیده آسیا و ملل افریقا و امریکای جنوبی اقدامات مؤثر بعمل آورد . اما آنچه را دنیا بدان محتاج است با آنچه ما کرده ایم متناسب نیست و رخنه های موجود مسدود نگشته و هنوز محکم بحال خود باقی است . حکومت هر یک از کشورهای پس افتاده اکنون دوره آزمایش را طی میکند .

در ظرف چند سال آینده این حکومتها باید بمردم کشور خویش نمایان سازند که شیوه حکومت اکثریت [دموکراسی] نه تنها آزادی سیاسی افراد را تأمین میکند بلکه وضع اقتصادی آنان را نیز بهبود می بخشد .

آنچه مردم بجد می خواهند این است که پایه زندگی آنها بالا رود ، خوراک بی فراوان و امراض کم گردد ، مدارس تأسیس ، راه ها صاف و هموار و برای امر آبیاری و تحویل نیرو بر رودخانه ها سد کشیده شود و وسائل مراد و مخا بره توسعه یابد . هر حکومتی هر قدر هم راستکار ، آزادمنش و خوش نیت و خدمتگزار باشد اما این حوائج را رفع نکند عاقبت با فرق سر بر زمین می خورد .

خرسنگهای راه ترقی بسیار و نقصان سرمایه یکی از آنهاست . مملکت خواه غنی ، خواه فقیر و روش اقتصادی چه سرمایه ای ، چه اشتراکی ، چه اجتماعی نیروی

محرکش در راه پیشرفت صنعت و بالا بردن پایه زندگی همه مبتنی بر صرفه‌جویی‌هایی است که صورت می‌گیرد. امروز دولت هر قوم پس‌افتاده با این مشکل دست بگریبان است که سرمایه لازم را برای عمران و آبادی کشور مردمی که سخت ناشکیبا و بیقرارند از کدام ممر تحصیل کند. حکومتی متکی بر آبی عامه اگر بر مقدار مالیات بیفزاید هنگام انتخابات آراء بسیار از دست خواهد داد و اگر از حیث ترقی و بهبود اوضاع از کشورهای اشتراکی مانند چین عقب بیفتد دچار گرگونی ناگهانی خواهد شد. در هندوستان بار مالیات بدان درجه رسیده که مردم بیش از آن نمی‌پذیرند. با همه اینها مجموع اندوخته دولتی یا شخصی از صدی پنجم تمام عوائد دولت تجاوز نمی‌کند. در اندونزی کمی بیش از صدی سه است. این ارقام با آنچه در کشورهای اشتراکی و دیکتاتوری بجزیر و قسوت معمول است اختلاف فاحش دارد. در روسیه اندوخته صدی بیست است. چین اشتراکی هم مدعی است که صرفه‌جویی او نیز بدین مبلغ میرسد اما این ادعا بنظر اغراق می‌آید و گمان نمی‌رود که اندوخته‌اش از صدی ده بگذرد. رموز و معانی اقتصادی و سیاسی نهفته در این مقایسات پس از چند سال دیگر آشکار خواهد شد.

-۳-

ترقی روز افزون اوضاع اقتصادی روسیه بار ما مؤمنان به تأسیسات و رسوم آزاد را سنگین‌تر می‌کند. چند سال پیش امریکائیان بدین دل خوش کرده بودند که روسیان مردمی هستند ناشی و عاجز و پس‌افتاده و بنابراین در صنعت جدید استعداد پیشرفت نخواهند داشت. این تصور فرسنگها از حقیقت دور است.

در سالهای اخیر اقتصاد روس سرعت روی بتوسعه نهاده است. محصول پولاد آن برابر نصف محصول و نیروی برق آن برابر یک سوم نیروی ممالک متحده است. حاصل کلام اینکه سه سال دیگر ممکن است روسیه سالی ۳۰ بیلیون دلار بیش از امروز محصول تولید کند. اگر واقعاً تولیدات بدین پایه برسد روسیه با این ۳۰ بیلیون دلار مصنوعات اضافی چه خواهد کرد؟

مقداری از آن خرج تجهیزات جنگی خواهد شد و مبلغی صرف بمبهای اتمی

و قطعاً قسمتی هم باز در راه صنایع سنگین مصرف خواهد گشت. مقدار معتنا بهی هم برای حوائج ضروری و مصرفی افراد و اصلاح وضع زندگی که بارها بمردم وعده داده اند خرج میشود. بعید مینماید که سران روسیه قسمتی ازین درآمد را صرف توسعه امور اقتصادی و سیاسی آسیا نکنند و البته غرض هم جز این نیست که نفوذ سیاسی و قدرت روس در آن نواحی افزون و امور دنیای آزاد آشفته گردد.

سیاری از امریکائیان صاحب نظر که چنین طرح و نقشه‌ای را به استحقاق مینگرند بدین نکته اشاره میکنند که تجار روس سخت بدنامند. وعده‌های خوش میدهند اما از تحویل کالا خبری نیست و اگر هست مختصر است و آنهم با شرائطی کمر شکن. این جواب دلیل است بر اینکه گوینده از تغییرات اساسی که پس از مرگ استالین در روسیه صورت گرفته بی خبر است. اگر محصول اضافی روسیه از آنچه متخصصان دولت امریکا تخمین میزنند اندکی کمتر بود باز نمی‌توان باور داشت که دولت برای حفظ حیثیت و اعلاای نام روسیه مبلغی از آن را در کشورهای خارج بکار نیندازد و بدان وسیله میان ما و رفقای حال و استقبال جدائی نیفکند. اگر حقیقت را بخواهید همین اکنون شواهدی در دست است که روسیه این تدبیر را بکار برده است.

نمایندگان چرب‌زبان تجار روس اکنون در بازارهای اروپا و آسیا پرسیه میزنند و متاع خویش را عرضه میدارند. در افغانستان « اصل چهار » روسی با برنامه‌های نسبتاً وسیع مشغول است. چنانچه شهرت دارد در همین ایام هندوستان دستور بنای کارخانه جدید فولاد سازی بظرفیت پانصد هزار تن بر روسیه خواهد داد. روسها موافقت کرده‌اند که کارخانه را بمدتی کم از دو سال بسازند و پول لازم را هم بمدت پنجاه سال، به سود صدی دو و نیم بدولت هندوستان بعنوان قرض بپردازند.

نیز چنین شایع است که هندوستان قراردادی تنظیم کرده که مقداری ماشین ضخیم بقیمتی ارزان‌تر از ماشین‌های اروپا از روسیه خریداری کند. چون ارزانی قیمت بیشتر بستگی بفرصتهای سیاسی دارد تا نظر اقتصادی در اینصورت رقابت در این امر باروسیه دشوار است.

معانی که در توسعه جنبه‌های اقتصادی روسیه نهفته است بس اهمیت دارد.

صد و هشتاد سال است که مردم آسیا و آفریقا و امریکای جنوبی امریکا را نه تنها با روی استوار آزادی و حامی ترقی استعداد فردی شناخته بلکه این کشور را نمونه‌ای عالی مؤسسات آزاد دانسته‌اند که بی‌زحمت می‌تواند نام‌همواریهای امور اقتصادی را هموار کند و جامعه‌های پیشرو بوجود بیاورد.

در سالهای آینده روسیه خواهد کوشید که بممالک پس افتاده و مردمی که فعلا نه‌طرفدار شرق‌فند و نه‌هوادر غرب مدلل سازد که در حکومت اشتراکی هم بهبود وضع اقتصادی میسر است و روسیه در خدمت‌گزاری هر کشوری که قبول خدمت کند حاضر است. هر چند اجر سیاسی خدمت‌گزاری روسیه سنگین است جز سفیهان کسی باور ندارد مردمی که آرزومند ترقی و پیشرفت هستند از قبول آن استنکاف ورزند.

-۳-

با افزودن مقداری بم اتمی بجمع بمهای فعلی سخت آشکار است که تکلیفی را که بعهده داریم نمی‌توان ادا کرد و از این راه مردم را نمی‌توان چون زیره کرمان بوعده دروغ دلخوش ساخت. جنگ هندوچین میبایست درس عبرت باشد که قدرت نظامی ممالک غربی در آسیای مشوش حدّ یقف دارد. علاوه برین امریکا نمی‌تواند با سخنان دل‌آویز و کلمات رنگین یا «توپ و تشر» مردم آسیا را از بند مسلک اشتراکی «نجات» دهد. وقتی آسیا در صدد برمی‌آید که دست از آئین اشتراکی بردارد که بتجربه بر او معلوم گردد که پیشرفت مداوم در امور اقتصادی و آزادی فردی در تحت لوای حکومت اکثریت هم امری شدنی است و راه خونین حکومت استبدادی و ضحاک‌کی به‌تنگنای سیاسی و اقتصادی می‌رسد.

اوضاع چنین واجب میکند که برای کومک اقتصادی بکشورهای خارجی راهی تازه که مؤثر و قابل قبول کشورها و درهمان حال درخور استطاعت و استعداد ما باشد اختیار کنیم. برای پیمودن این راه نو باید سیاست بافی و حزب‌بازی را کنار بگذاریم. در خطاهائی که تا بحال روی داده نه حزب جمهوریخواه مقصّر است نه حزب دمکرات، سبب آشفستگی و درهم‌وبرهمی اوضاع دنیا بوده که هنوز هم بدان گرفتاریم. انتخابات مجلس پایان یافته و وقت آن رسیده که کارها را از سر بگیریم.

اگر برای تجدید عمل معنائی قائل کردیم سران حزب باید اصولی را پیشنهاد خود کنند و به اتفاق آنرا بپذیرند. مثلاً طرفین باید معلوم سازند که از یاری دادن بکشورها چه مقصود داریم.

اگر مقصود این باشد که از رواج مرام اشتراکی پیش گیری کنیم از همان قدم نخستین بمحظور برمیخوریم. تمام همت خود را صرف نواحیی میکنیم که خطر این مرام در آنجا بجد وجود دارد و بنابراین دست بھر کاری بز نیم داغ باطله میخورد و تهمتی سیاسی به آن بسته میشود.

هر گاه بمثل همه هم خویش را در اجرای طرح جدید کومک اقتصادی بکشورهای جنوب آسیا مصروف داریم و از آفریقا و امریکای جنوبی غافل بمانیم مردم آسیا چنین استنباط خواهند کرد که هدف ما شکستن قدرت مرام اشتراکی است نه رفاه و خیر مردم و گرفتار این بهتان خواهیم شد که وفاداری آنان را کالای معامله قرار میدهم و بزور زر آنان را بحلقه غرب میکشیم. بسیاری از سران آزادی دوست آسیا با همه احتیاجی که دارند احسان ما را به اگراه می پذیرند یا از قبولش بکلی سرباز میزنند و بنان خشک و جامه دلخ خویش قناعت میکنند.

بحیرتم که چرا اشتمل و حماسه سرائی و رجز خوانی دشمن ما را به آنچه بر غبت بایست انجام دهیم و ادا رکند. قبل از آنکه محور مسکو و پکن در عالم وجود داشته داشته باشد دستگیری از تیره بختان مذهب و سنت شریف ما بوده است.

غرض سیاسی ما از کومک بکشورها واضح است و فوری و زیاد از حد با ارزش. ما میخواهیم که امور اقتصادی و سیاسی ملل جهان سرو سامان بگیرد تا مردم آزاد زندگی کنند نه اینکه اقوام عالم در راه مصالح و منافع آمریکا قدم بردارند. چون وضعشان سر و صورت بگیرد اعتمادشان بشیوه حکومت اکثریت زیاد میشود و برای دفاع از مال و منال خویش در برابر هر گونه تعدی بیرونی و درونی مقاومت مینمایند. با چنین کشورها آمریکا میتواند همکاری کند و پس از چندسال راه پیش گیری از مرام اشتراکی خود بخود هموار و زمینه صلح ثابت و دائم آماده میگردد.

بدین دلایل هدف مؤثر باید والاتر از قلع ماده فقر و پریشانی باشد. بسیاری

از مردم بیخبر مدعیند که «شکم سیر بهرام اشتراکی نمیگردد». تاریخ این گفته را مطرح می‌داند. زارعان گرسنه انقلاب نمی‌کنند. انقلاب از جانب مردم طبقه سوم و تحصیل کرده است و بضد موانع آزادی عمل.

بسیار ضروری است که هر چه زودتر سراسر مردم گیتی خوراک کافی، تن سالم و مزاج قوی و موقوع و مجال تحصیل بیابند. همچنین بسیار لازم است که حصول این حوائج حس مناعت آنان را نرنجانند و مردم خود در راه وصول بحاجات و آرزوهای همیشگی کنند و همه، چه روستائی چه شهری، به اتفاق بذل همت نمایند. اگر فشار از جانب دولتی بیگانه باشد چنین جنب و جوشی بوجود نخواهد آمد. آبادی آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی بیشتر در سایه عمل خود مردم باید تحقق یابد و از روستا بیلا صورت بگیرد. علاوه بر این کار بی اجرت مردم خود منبع مهم صرفه جوئی است و برای پیشرفت کار کشورهای پس افتاده بسیار ضروری است. دهقانان هر سال پس از جمع آوری محصول هفته‌ها بلکه ماه‌ها بیکارند. اگر در این اوقات بجاده سازی و بنای مدرسه و مطب و نهر بندی اشتغال ورزند و بدین طریق در پیشرفت جامعه خویش سهم کردند ترقی مردم آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی سریع تر صورت خواهد گرفت.

کومکی که بکشورهای آزاد می‌کنیم باید از قید و بند سیاست برکنار باشد اما بسیار لازم است طرحهای اقتصادی و اصلاح اراضی و مالیات بندی بطول مدت انجام گیرد و بهیچوجه ارزش خارجی صرف خرید کالاها و تفننی و تجملی که فقط بدرد توانگران می‌خورد نگردد. در بعضی از کشورهای پس افتاده کومک امریکا اصلاحات را بتعویق انداخته است. اگر بدین امر بی‌اعتنائی و از کار شانه خالی کنیم مبالغی از وجوه پرداختی حیف و میل میشود^(۱) و زبان طعن و لعن بجانب ما دراز می‌گردد که اعانات «فتوحی است که مولی بکیسه هزار فامیل» سرازیر میکند و عامه را از «شی لله» محروم می‌سازد.

کشورهای پس افتاده نمی‌توانند در صدساله را یکشنبه و کار عمری را یک‌روزه

۱- در کجا؟ شاید مقصود چین چیان کایشاک باشد. در ایران آنچه لطف فرمودید - چشم بد دور - تا آخرین دینار «سنت» بجا خرج شده است!

طی کنند. بگمان اینکه کومک آمریکا امری است موقت خود را گول نزنیم و بخطا نیندازیم. کومک ما باید سالها پشت بند داشته باشد. اجرای نقشه مؤثر و عملی محال است مگر آنکه دست کم پنج ساله باشد.

خلاصه ما نباید در صدد یافتن دستوری سهل و ساده و سطحی باشیم. مسائل اقتصادی بسیار پیچ در پیچ است و راه حلی که پیشنهاد نظر خویش میسازیم باید با پیچیدگی موضوع متناسب باشد.

مثلاً تخفیف حقوق گمرکی و فراوانی خرید و فروخت و معاملات از مبلغ کومک خواهد کاست. کشورهای پس افتاده بطیب خاطر حاضرند که «بوسع طاقت» بهای ترقی خویش را بپردازند اما پرداخت بها فقط دوراه دارد. یا باید کالای خویش را بما بفروشند یا از پولی که «نذری» یا قرض میدهیم بپردازند. هر قدر مسأله خرید و فروخت و دادوستد با آمریکا سهلتر کنیم این کشورها کمتر محتاج «نذور» ما میشوند و هر قدر پایه زندگی آنان بالاتر برود از مصنوعات آمریکا بیشتر میتوانند بخرند. هیأت دولت کنونی بارها گفته است که جداً هواخواه تخفیف حقوق و سدوبند گمرکی است. حال که مسأله انتخابات مجلس پایان یافته امیدواریم که هر دو حزب به اتفاق یکدیگر بوعدهای که بکرات بمردم آمریکا و سایر ملل داده اند وفا کنند.

۴-

عامل دیگر سلامت و سامان امور اقتصادی خود ما است. هر وقت بازار داد و ستد در دول متحده آمریکا بی رونق باشد اثرش در جمیع عالم محسوس میگردد و بقول يك نفر اروپائی «هر وقت آمریکا عطسه ای بزند همه نقاط آزاد گیتی به ذات الزمه مبتلا میگردد». بی رونقی امور اقتصادی آمریکا برای روس درین ایام شیرین ترین مرثه خواهد بود چه ادعای مارکس بر اینکه سرانجام شیوه سرمایه داری از گران باری خویش شکم خواهد داد تحقق می یابد. اقتصاد ما باید بنهایت گنجائی و استعداد خویش برسد. باید قدمهائی در راه تثبیت قیمت مواد خامی که از کشورهای پس افتاده میخریم برداریم. سه چهارم در آمد خانوادهاى «مالایا» بستگی بقیمت لاستیک در آمریکا دارد. در کشورهائی که محصولشان چای، قهوه، کاکائو، قلعی و نفت است همین نسبت موجود است.

یقیناً این اندازه اهل عقل و درایت هستیم که بوسیله تعیین حداقل و اکثر راه را بر تغییرات فاحش قیمت که بیچارگی بینوایان را دوچندان میکند و تنها گروهی محترک را بنوا میرساند به بندیم. قیمتی باید تعیین کرد و از راه انبار کردن و انداختن مواد جلو کم و زیاد شدن بهای اجناس را گرفت. اگر تولید بیش از مصرف بشود با نقشه صحیح و منظم باید نوع محصول را تغییر داد هیچ آدم عاقلی دعوی نمیکند که این کار دشواری ندارد و تحصیل موافقت دیگران هم آسان است. اما همین اکنون که مجال مطالعه بیشتر است موقع شروع بدین کار است.

تجارت آزاد تر و بازار مطمئن تر برای فروش کالا بقیمت ثابت بنیه اقتصادی کشور های پس افتاده را تقویت میکند و به آنان قدرتی میبخشد که بر پای خویش به ایستند اما يك برنامه کومک مستقیم هم فوریت دارد مشروط به اینکه مانند نقشه مارشال که اوضاع اقتصادی اروپارا بین سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۵۱ سر و صورت داد مبتنی بر دور اندیشی و شهامت باشد.

مواد چنین برنامه‌ای چه باید باشد؟ احتیاج فوری بمهندس، متخصصان امور بهداشت، زراعت، تعلیم و تربیت و کارگران فنی دیگر سخت محسوس است. نقشه فعلی کومک مادی امریکا، طرح کلمبو و کومک‌های فنی سازمان ملل متحد باید جنبه عمل پیدا کند و توسعه بیابد و چند قلم اصلاحی دیگر نیز بر آن مزید گردد. هنگامی که این نقشه آغاز شد بدین گمان که در حل مشکلات فنی، آمریکائی از دیگران کافی تر است بھر نقطه عالم از کشور ما متخصص میرفت. درین شیوه «آمریکائی مآبی» افراط شده است. مثلاً برنج کاران ژاپون از آمریکائیان که بیشتر در کشتزارهای چندصد هکتاری و با ماشین سرو کار داشته‌اند بهتر میدانند که در کشتزارهای يك یادوهکتاری بطریق پار یابی چگونه باید زراعت کرد. در ریشه کن کردن پشه تب نوبه مردم هندوستان از ما کم نیستند. در تکثیر انواع و مقدمات ماهی، اهالی اندونزی گامهای بلند برداشته‌اند. نقشه کومک فنی برای توسعه امور اقتصادی ممالک پس افتاده بسیار با ارج و اهمیت است و با مساعدت نقدی آمریکا باید در نهایت جد و جهد دنبال شود. اداره کردن تمام کار یا هر قدر که سیاست بین ملل اجازه دهد بوسیله طرح کلمبو و متخصصان و

عَمّال سازمان ملل این اسلحه تبلیغاتی را از دست کمونیست‌ها میگیرد که «اصل چهار» آلت زیر جلی و حقه بازی و دسیسه کاری سرمایه داران است تا مردم را از توجه بمرام و افکار «دموکراتیک» منحرف سازند.

کومک فنی بی‌مایه هنگفت فطیراست. سرمایه داران آمریکائی و اروپای غربی تنها از عهده این کار بر نمی‌آیند. از بعد از جنگ تا کنون در داخله دول متحده امریکا ۴۶ میلیارد دلار از سرمایه‌های خصوصی بکار افتاده است. در همین مدت سرمایه‌های خارج کشور از ده میلیارد دلار تجاوز نمیکنند. همه در اروپا و کانادا بکار رفته است. این سرمایه هم از منافع است که شرکت‌های امریکائی در این کشورها عایدشان گشته. اگر توسعه استخراج نفت امریکای جنوبی را بقلم نیاوریم از زمان جنگ بعد سرمایه‌های خصوصی آمریکا در ممالک خارج بزمحت به يك بیلون دلار میرسد. آنچه در این مدت در هندوستان خرج شده کمتر از صد میلیون دلار است.

ناچیزی سرمایه درین کشورها علل واضح دارد. اوضاع کشورهای پس افتاده ثابت نیست. غالباً سوءظن نابجا بسرمایه داران خارجی که محصول دوران آفت استعمار است مانع بزرگ بوده است. در بعضی از کشورها قوانین مالیاتی از خروج مختصر منافع هم مانع می‌کند. تشریفات خسته کننده اداری و ایراد های بنی اسرائیلی کارمندان اداری هم مزید بر علت است.

بفرض اینکه هیچیک از این دشواریها در میان نباشد باز فکر اینکه اوضاع اقتصادی ممالک پس افتاده را در سایه سرمایه های خصوصی میتوان سر و سامان داد بس ابلهانه است. در این ممالک سرمایه های بی قیاس لازم و امید نفع محدود و مشکوک است. حوائج ضروری از قبیل نیروی برق، بنادر تیار، راه آهن بدرخور و دستگاههای مخابراتی پسندیده باید بسرمایه دولت مرتفع گردد. این کارهای اساسی که صورت پذیرفت و ترس فکر استعمار تخفیف حاصل کرد راه برای ورود سرمایه های خصوصی باز و هموار میشود. بنابراین مقدمات در غالب کشور های پس افتاده دولتها باید مستقیم، چه بصورت قرض و چه هفت و مچان، مبالغی در راه آبادی آنها خرج کنند. فعلاً آمریکا مختصری به هندوستان و ممالک دیگر کومک میکند. برانداختن مرض تب

توبه از هندوستان در توسعه امر اقتصاد این کشور مفید است. اما هندوستان برای خرید دواى پشه برانداز و تلمبه و جیب که از لوازم این کار است دلار ندارد. دولت امریکا بیست میلیون و خرده‌ای دلار برای خرید این لوازم پرداخته است. وسائل جاده سازی، ملخ و راندازی، سیل بندی، بهداشتی، مدرسه سازی و اصلاح وضع روستائیان هر چند بسیار مهم و ضروری است عایدی آنی ندارد و در اجرای آنها بجز با کومک های فوری دولتی راهی دیگر بنظر نمیرسد.

پیشنهاد اقدام و عمل درین امور مانند بسی امور دیگر از جانب آمریکا صورت گرفت. در سال ۱۹۵۰ انجمن مشورتی عمران و آبادی بریاست نلسن را کفلر توصیه کرد که اداره ای بنام اداره عمران و آبادی ملد تأسیس شود و نمایندگان همه کشورهای آزاد در آن شرکت کنند.

این هم مانند بسیاری از توصیه‌های دیگر بمشکلات سیاسی برخورد. همینکه کشورهای پس افتاده به اشتیاق پذیرای پیشنهادها شدند ناگهان دولت آمریکا واسر نکید. بس ناگوار است که آمریکا چه در دوران حکومت حزب دموکرات و چه در زمان تسلط جمهوریخواهان از اجرای نقشه‌های خویش شانه خالی کرده‌است. ازین ناگوارتر اینکه مدعی است در یک آن از عهده توسعه امور اقتصادی کشورهای پس افتاده و تهیه وسائل دفاعی برنمی‌آید.

فقرو فاقه مردم آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی حکم خاکی دارد که محصولش مسلک اشتراکی است. وقتی اعطای کومک خویش را بموافقیت روسیه در تخفیف وسائل جنگی بستگی میدهیم دلیلی دیگر بدست روس می‌آید که مسابقه تسلیحانی را شدیدتر کند. چرا خاطر خویش را از سودای روس آسوده نمیکنیم؟^(۱) چرا شیوه دیرینه

۱ - شرقیان بداستان ساختگی ذیل شدت سودا و سادگی مارا درین باب بیان میکنند: هنگامی که خیر طرح اقتصادی مارشال بگوش نخست وزیر جمهوری کوچک مونتوکل واقع در جنوب شرقی فرانسه رسید وی با هواییم باهوشنگتون رفت که استدعای مدد مالی کند. چون مبلغی را که میخواست اندک بود خواهش او را زود پذیرفتند. در پایان کار، برسبیل اتفاق، یکی از کارمندان آمریکائی به او گفت «تا از یاد نبرده‌ام این موضوع را از شما تحقیق کنم. حال اشتراکیان کشور شما بچه متوال است؟» نخست وزیر بتفاخر چنین جواب داد «مادر کشورمان اصلا بیرومندهب اشتراکی نداریم. (بقیه حاشیه در صفحه بعد)

پدران خویش نمی‌رویم و بعضی از حوائج ضروری ابناء نوع را مرتفع نمی‌سازیم ؟ -
 راهی دیگر برای تهیه سرمایه ، قرض از بانك بین‌الملل است که در ژوئیه ۱۹۴۴ در قصبه برتن وودز (۱) احداث شد . این بانك برای اجرای نقشه‌عمرانی دولتها یا نقشه مؤسسانی که به پشتیبانی دولتها چنان منظم گشته که امید میرود از عهده پرداخت آن بر آیند پول قرض میدهد . سرمایه این بانك بیشتر و دیمه‌های سرمایه‌داران آمریکائی است . این مؤسسه بریاست یوجین بلك (۲) خدمات ذی قیمت کرده است و شایسته است که از حمایت و توسعه آن هیچ دریغ نشود .

مقررات این بانك اجازه نمیدهد که بمؤسسات خصوصی کشورها وجهی اداء گردد مگر آنکه دولت آنرا تضمین کند . این مسأله انجمن مشورتی عمران و آبادی را که زیر نظر نلسن را کفلر اداره میشود بر آن داشت تا پیشنهاد کند که يك شرکت بین مللی مالی وابسته به این بانك تأسیس گردد و این مؤسسه حق داشته باشد هم بدولتها و هم بمؤسسات خصوصی برای امور عمرانی و تهیه وسائل کار پول قرض بدهد مشروط باینکه در مدتی نسبتاً طولانی آن دولت یا مؤسسه بتواند قرض خویش را از منافع که برده بیردازد . چنین شرکتی به استظهار سرمایه کلان نه تنها می‌تواند به پیشرفت اموراتقصادی کشورهای پس‌افتاده مساعدتهای متمدن و مؤثر کند بلکه بشیوه سرمایه‌داری این کشور و کشورهای خارج‌جهان تازه می‌بخشد .

اگر چه قسمت اعظم پولهای را که کشورها قرض میکنند باید بموقع بیردازند

بقیه حاشیه از صفحه قبل:

فقیر هستیم اما شورداریم . « کارمند بهم برآمد و گفت «درین صورت هر قدر هم نقشه‌های عمرانی عاقلانه داشته باشید نمایندگان مجلس [کنگره] سهمی برای شما قائل نخواهند شد . »
 نخست وزیر نوید نگشت . در مراجعت میان راه بیاریس رفت و از وزیر خارجه دیدن کرد و سرگذشت خویش را اهدات . عاقبت گفت « اکنون لطفاً چند تن اشتراکی اضافی که دارید بمن بسپارید . عده‌مین قدر کافی است که سروصدائی راه بیندازد و چند پنجره و شیشه بشکند تا امریکائیان در آن حال یکی دو طومار فیلم بردارند . »
 وزیر خارجه گفت « دلم میخواهد که با همسایگان نازنین یاری کنم اما متأسفم که بفرد فرد بیرون مسلک اشتراکی خود محتاجم . »

(ترجمه از کتاب « گزارش سفیر کبیر » صفحه ۳۴۳)

اما با شرائطی از شرائط بانک بین ملل سهلتر . ربح کم و فرجه زیاد باشد . در بعضی اوضاع و احوال مؤسسه باید پرداخت قرض را بیول همان کشور یعنی مثلاً برویبه ، بین و امثال آن بپذیرد و در صورت لزوم بکشورهای دیگر آن نواحی قرض بدهد و بدین طریق امر داد و ستد را تقویت و تشویق نماید .

این ترتیب استقرای را ملل آسیا و آمریکای جنوبی بطیب خاطر پذیرفتند اما باز دولت آمریکا از قبول پیشنهاد انجمنی که خود مأمور کرده بود تن زد . امیدواریم که دولت از نو درین باب مطالعه کند و شاید هم بهتر آن باشد که بجای ایجاد مؤسسه‌ای جدید اجرای این برنامه بطرح کلمبو منتظم گردد .

—

برنامه کومکی بدین جامعیت و هم آهنگ باحقیق اقتصادی و سیاسی آسیا ، افریقا و آمریکای جنوبی تعهدات پنجساله میخواید . علاوه برین بدیشر مبلغ پرداختی جنبه قرض دارد و قرض کننده باید آنرا پس بدهد . صرف نظر از قرضهائی که بانک بین ملل میدهد تمام مبلغی که هر ساله می توان درین راه بکار انداخت بیش از صدی هفت اعتبارات نظامی ما نخواهد شد .

اگر چه پول و وضع مقررات در درجه اول اهمیت است طرز کومک و پرداخت ما بی اهمیت نیست . کشورهای پس افتاده با هم بی نوائی از مصدق رفیع بلانمی خواهند . همگامی و وفاداری را با پول سودا نمیکنند .

یک راه شروع بدین کار اینست که بیاد بیاریم مغرب از چه جهت به آسیا مدیون است . در قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ قسمت اعظم سرمایه‌ای که باعث ترقی سریع کشورهای مستعمره‌ای گشت از حلقوم مردم بیچاره استعمار زده بیرون کشیده شد . مزد کم ، مالیات سنگین ، کوتاهی در بهبود وضع بومیان این کشورها ، ده‌ها میلیون دلار از آسیا و افریقا بخزانهای بریتانیا ، فرانسه ، هلند پرتقال و بلژیک ریخت . حتی آمریکای بیزار از شیوه استعمار ، بغیر مستقیم ، از این کاروان زنی کارش سره شد . مبلغ زیادی از سرمایه که صنایع و خطوط راه آهن ما را در قرن گذشته جان داد از قروضی بود که بانکهای اروپا از منافع خویش که از هندوستان ، پاکستان ، برمه ، اندونزی ،

هندوچین و سیلان برده بودند بما دادند. دانشگاه ییل (۱) بنام الایهوبیل (۲) فرمانفرمای مدرس است که مبلغی نسبتاً سرشار، بعنوان «تحفه هندوستان» به نیوهیون (۳) فرستاد. اگر آیزنهاور با این مقدمات و با پشتیبانی هر دو حزب خطاب بکشورهای پس افتاده بدین مضمون مطالبی بگوید نتیجه اش معجز خواهد کرد:

«سالهای فراوان دول مغرب از مستعمرات ثروتهای هنگفت بچنگ آوردند و پایه زندگی خویش را بالا بردند. این نقل مال و مکننت از مشرق بمغرب در دوره ای صورت گرفت که اصول اخلاقی زمان با اصول اخلاقی فعلی بکلی منافات داشت.

وقوف به این حقیقت و آگاهی به احتیاجات مردم این نواحی ما را بر آن داشته که دین خویش را از راه قرضه و عطیه و کومک فنی طبق برنامه پنجساله ادا کنیم و در امر ترقی شما تسریع نمائیم. بجز همکاری صمیمانه و مجاهدات بی دریای شما در راه بهبود اوضاع زندگی خود شما و توسعه میدان عمل در تحت هدایت حکومتهای آزاد هیچ انتظاری دیگر از شما نداریم.» آیا آمریکا چنین دوربینی و درایتی دارد که بدین عبارات سخن بگوید؟ کرافه نیست اگر ادعا کنیم که بقای دنیای آزاد درین دوره بستگی بجواب این سؤال دارد. سر نوشت مبارزه در راه ایجاد آسیا و افریقا و امریکای جنوبی دمکرات در میدانهای جنگ معلوم نمیکردد بلکه در شالیزارها و باتلاقهای منبع مرض نوبه، صفوف کلرگران کارخانهها و دره های رودخانهها معلوم خواهد گشت. آمریکا باید بدین خدمت میان به بندد و اثر وجود خویش را بعالمیان بنمایند یا یکسره از حق و حقیقت که همیشه مدعی دفاع آن بوده دست بردارد.

اکنون موقع آن رسیده که اعضای هر دو حزب سیاسی برای آتیه نقشه جدیدی طرح نمایند. چه مناسب است که آمریکا تزلزل و تردید را بدور افکند و مردانه به این کشورهای آزاد پس افتاده دست مساعدت دراز کند و در راه پیشرفت اقتصادی آنان بکوشد.

بدین اقدام عالمیان می فهمند که امریکا پیروی از سنن و آداب عالی خویش درین دنیای پر خطر عملاً بیاری مردم بیقرار و ناراضی برخاسته است و عاقبت تمام اقوام آزاد گیتی، بی دغدغه، بادل خوش به آتیه خویش امیدوار خواهند شد.